

چکیده

کالبدشکافی در آینه فقه اثر سید محسن مرتضوی، از آثار تخصصی در حوزه [فقه](#) از منظر فقه شیعه می‌پردازد. در این است که به بررسی موضوع [کالبدشکافی پزشکی](#) کتاب، نویسنده با استناد به ادله روایی و فقهی، به تحلیل و ارزیابی حکم فقهی کالبدشکافی در مورد اجساد مسلمانان، کفار حربی و ذمی پرداخته است. به گفته او، فقها، تشریح جسد کافر حربی بالاتفاق جایز می‌دانند؛ ولی تشریح دو قسم دیگر را محل اختلاف دانسته‌اند. نویسنده با استناد به دسته‌ای از روایات به این نتیجه رسیده است که موضوع حرمت تشریح در روایات، انسان محترم (اعم از مسلمان و کافر) است و اطلاق این روایات، کافر ذمی و معاهد را نیز در بر می‌گیرد. از این رو کالبدشکافی [کافر](#) جایز نیست، مگر آنکه در آیین و شریعت‌شان جایز باشد و [معاهد ذمی](#)

مرتضوی در این اثر تأکید می‌کند که تشخیص ضرورت و تعیین شرایط دقیق کالبدشکافی، به دلیل ماهیت تخصصی و اجتماعی آن، باید به متخصصان مربوطه سپرده شود و اجرای آن نیز نیازمند تأیید حاکم اسلامی است. علاوه بر این، در این کتاب مسائل مرتبط با احکام وضعی کالبدشکافی، همچون خرید و فروش اجساد، پرداخت دیه و وصیت به تشریح، مورد بررسی قرار گرفته است.

معرفی و ساختار کتاب

است که موضوع تشریح کالبدشکافی در آینه فقه کتابی در حوزه [فقه پزشکی](#) اجساد را از نظر فقهی بررسی می‌کند. نویسنده این کتاب [سید محسن](#) و [کالبدشکافی](#) از [قتل از روی ترحم \(اتانازی\) در آینه فقه](#) است که [تلفیح مصنوعی در آینه فقه مرتضوی](#) دیگر آثار او در حوزه فقه معاصر به شمار می‌آید. چاپ دوم این کتاب را انتشارات بوستان کتاب در سال ۱۴۰۰ ش در ۲۲۸ صفحه منتشر کرده است.

مباحث کتاب در چهار بخش سامان یافته است. فهرست مطالب کتاب و پیش‌گفتار در ابتدا، و کتاب‌نامه در انتهای اثر آمده است. بخش اول کتاب با عنوان کلیات مشتمل بر دو فصل است؛ فصل اول به پیشینه و جایگاه تشریح و فصل دوم به مروری اجمالی بر کالبدشکافی از منظر فقه اختصاص دارد. در بخش دوم، حکم اولی تشریح مسلمانان و کفار در دو فصل بررسی می‌شود؛ نویسنده در فصل اول دلایل حرمت تشریح جسد مسلمان و در فصل دوم موضوع تشریح اجساد کفار را تبیین می‌کند.

نویسنده در بخش سوم کتاب در دو فصل ادله و احکام ثانوی کالبدشکافی (موارد ضرورت) را تحقیق کرده است. وی در بخش پایانی کتاب در چهار فصل احکام وضعی کالبدشکافی را بررسی می‌کند: ۱. خرید و فروش اجساد برای تشریح، ۲. حکم دیه در موارد جواز تشریح، ۳. مالکیت انسان بر بدن خود، ۴. احکام وصیت به تشریح.

پیشینه و جایگاه کالبدشکافی

سید محسن مرتضوی پس از تعریف لغوی و اصطلاحی تشریح، پیشینه‌ای کوتاه از تاریخچه چند هزارساله کالبدشکافی بیان کرده، به ترقی آن در عصر مسلمانان اشاره

می‌کند. به گفته نویسنده کالبدشکافی در علم پزشکی از جهت کارورزی پزشکان و توسعه دانش، و در عرصه حقوقی از جهت تشخیص علت قتل و تعیین میزان دیه اهمیت دارد. او در این بخش به عناوین و سؤال‌های فقهی مرتبط با موضوع کالبدشکافی اشاره می‌کند (ص ۲۵-۴۶)

حرمت تشریح جسد مسلمان و جواز تشریح جسد کافر حربی

در بخش دوم کتاب، مؤلف تشریح جسد میت مسلمان را به حکم اولی حرام دانسته است. مهم‌ترین دلیل ذکر شده برای این حکم، آیات و روایاتی است که بر لزوم حفظ حرمت مؤمن و حرام‌بودن هتک او حتی بعد مرگ دلالت می‌کند که فقیهان سنی‌مذهب نیز با تکیه بر این دلیل بر حرمت تشریح استدلال کرده‌اند. نویسنده در پاسخ به این اشکال که هتک از عناوین قصديه است، و بدون قصد، هتک محقق نمی‌شود، کالبدشکافی را از مصادیق هتکی دانسته، که حتی بدون قصد محقق می‌شود (ص ۴۹-۶۲). ثبوت دیه بر قطع اجزای جسد مسلمان، دلیل دیگر نویسنده بر حرمت تشریح جسد مسلمان است؛ ولی او استناد به حرمت مثله، وجوب فوریت تجهیز مرده مسلمان و حرمت نظر و لمس بدن میت را ناتمام دانسته است (ص ۶۲-۸۸)

مرتضوی با تقسیم کفار به سه قسم ذمی، معاهد و حربی، تشریح جسد کافر حربی را بالاتفاق جایز و تشریح دو قسم دیگر را محل اختلاف دانسته است. نویسنده با استناد به دسته‌ای از روایات به این نتیجه رسیده است که موضوع حرمت تشریح در روایات، انسان محترم (اعم از مسلمان و کافر) است و اطلاق این روایات، کافر ذمی و معاهد را نیز در بر جایز نیست، مگر آنکه در آیین و معاهد می‌گیرد. از این رو کالبدشکافی کافر ذمی شریعت‌شان جایز باشد. (ص ۸۹-۱۰۱)

جواز تشریح جسد مسلمان به حکم ثانوی

نویسنده تشریح جسد مسلمان را از فروع باب تراحم و به حکم ثانوی جایز دانسته است (ص ۱۳۴). با این حال او معتقد است، تشخیص ضرورت و شرایط دقیق کالبدشکافی، به دلیل ماهیت تخصصی و اجتماعی این مسئله، به متخصصان واگذار شده و اجرای آن نیازمند تأیید حاکم اسلامی است (ص ۱۳۶-۱۳۷). او تشخیص جنسیت جنین برای تعیین میزان دیه را، جایز نمی‌داند، چرا که در روایات برای تعیین میزان دیه در چنین صورتی، راه‌کار دیگری قرار داده شده است (ص ۱۳۰)

نگارنده با استناد به روایات، مصادیق ذیل را برای جواز تشریح برشمرد است:

توقف حفظ جان جنین بر تشریح جسد مادر و یا بالعکس؛

خارج کردن مال غیر از جسد مسلمان؛

آموزش پزشکی و تشخیص بیماری و نجات جان انسان‌ها؛

تشخیص علت مرگ و شناخت مجرم؛ نویسنده این مورد را تنها در فرض ضرورت جایز دانسته است.

دستور حاکم اسلامی به تشریح، به دلیل وجود مصلحت ملزمه؛
متوقف بودن تجهیز و دفن تمام جسد، بر تشریح یا قطع اعضای میت؛
اثبات نسب وارث (ص ۱۱۳-۱۳۴)

مؤلف در ادامه برخی احکام مرتبط با جواز تشریح را ذکر کرده است، احکامی مانند: لزوم
مقدم داشتن غسل میت بر تشریح، وجوب دوختن محل‌های شکافته شده، واجب بودن
دفن تمام اجزای بدن میت بعد از کالبدشکافی و وجوب اکتفا به مقدار ضرورت در تشریح
(ص ۱۴۰-۱۵۰)

بررسی احکام وضعی در موارد تشریح

در بخش پایانی کتاب برخی احکام وضعی مرتبط با کالبدشکافی بررسی شده است

صحت بیع اجساد برای تشریح

مرتضوی ادله‌ای را که بر بطلان بیع اجساد برای تشریح بیان شده، بررسی کرده است.
برخی از این دلایل چنین است:

حرمت بیع میت؛

حرمت انتفاع از میت؛

حرمت فروش اعیان نجس؛ به نظر نویسنده در صورتی که انتفاع از اعیان نجس جایز
باشد، دلیلی بر حرمت خرید و فروش آن وجود ندارد

عدم مالیت میت؛ مرتضوی این استدلال را ناتمام دانسته، قرارگرفتن دیه برای اعضا را
بهترین دلیل بر مالیت آن می‌داند

نویسنده از مجموع ادله چنین نتیجه‌گیری کرده که اگرچه بیع میت عموماً حرام است، اما
در موارد ضروری، مانند حفظ جان مسلمانان از طریق تشریح، این حرمت برداشته
می‌شود. همچنین می‌توان از روش‌های جایگزین مانند معامله بر اساس صلح یا حق
اختصاص فرد به اعضای بدن استفاده کرد، چراکه دلیلی شرعی بر بطلان این معاوضات
وجود ندارد (ص ۱۵۳-۱۶۴)

ثبوت دیه در موارد جواز تشریح

به نظر نویسنده در مواردی که کالبدشکافی جسد مسلمان جایز باشد، دیه ساقط
نمی‌شود؛ زیرا حکم ثانوی (مانند وجوب حفظ جان مسلمان) تنها احکام تکلیفی (حرمت
تشریح) را بر می‌دارد، اما برای برداشته شدن حکم وضعی (دیه) دلیلی وجود ندارد؛
چنان‌که اگر شخصی برای حفظ جان مال را بدون اجازه صاحبش بردارد، کار حرامی
انجام نداده، ولی ضامن مثل یا قیمت آن مال است (ص ۱۷۳)

مرتضوی دیه را بر عهده تشریح‌کننده دانسته است و برای متضرر شدن پزشکان دو راهکار
پیشنهاد داده است: ۱. دولت اجساد کفار را برای تشریح تهیه کند؛ ۲. برای

تشریح‌کنندگان بیمه قرار داده شود(ص ۱۷۷). نویسندگان بر این باور است که ورثه نسبت به این دیه حقی ندارند و دیه برای میت در خیرات مصرف می‌شود (ص ۱۸۱)

مالکیت انسان بر بدن خود

یکی از مسائل بنیادین در احکام فقهی پزشکی، انتخاب یکی از دو مبنای ذیل است: ۱. انسان مالک اعضای خود است؛ ۲. انسان نسبت به اعضای خود، تنها ولایت دارد نه را، مالکیت. نویسندگان مهم‌ترین دلیل برای اثبات مالکیت ذاتی انسان بر اعضا و جوارحش ضرورت وجدان می‌دانند که بر اساس آن انسان بر خودش سلطنت دارد و شارع آن را امضا کرده است؛ از این رو مرتضوی معتقد است، به کارگیری بدن در هر کار مباحی، حتی اگر موجب فرسودگی بدن شود، جایز و گرفتن مزد در برابر آن بی‌اشکال است. با این حال نویسندگان این دو مبنا را در این بحث بی‌ثمر می‌دانند؛ چون تنها ثمره این بحث در صحت وصیت شخص به تشریح جسدش است، و این در حالی است که صحت وصیت با ولایت شخص بر اعضایش نیز اثبات می‌شود (ص ۱۸۲-۱۹۶)

احکام وصیت به تشریح

فقیهانی که وصیت کردن به تشریح را جایز نمی‌دانند به دلایلی چون معصیت بودن این وصیت، ناسازگار بودن آن با حرمت و کرامت انسان و منافات داشتن آن با لزوم تعجیل در تجهیز میت استدلال کرده‌اند. مؤلف این دلایل را ناتمام دانسته، معتقد است، اولاً با اذن و اجازه میت هتک حرمت از میان برداشته می‌شود؛ ثانیاً در موارد ضرورت و توقف حفظ جان انسان‌ها بر تشریح، حرمت اهانت (مهم) با لزوم تشریح (اهم) تراحم کرده، حرمت کنار گذاشته می‌شود.

نویسندگان از مجموع مباحث چنین نتیجه می‌گیرند که وصیت به تشریح نه تنها در موارد ضرورت، بلکه در موارد غیرضرورت نیز طبق برخی مبانی جایز است و آن در صورتی است که گفته شود، اضرار به نفس حرام نیست و حرمت مؤمن از قبیل حقوق الهی، قابل اسقاط است. نویسندگان، دیدگاه برخی سنی‌مذهبان که حق اجازه تشریح را قابل انتقال به ورثه می‌دانند، تخطئه کرده، معتقد است، حق برداشتن عضو، همانند سایر حقوق غیرمالی، قابل انتقال به ورثه نیست (ص ۱۹۷-۲۱۵)